

شعر گرامر و غیره از اله ، با درودها و سینه

پس از چند ماه انتظار ، پاسخ نامه دومی را که به شما نوشته بودم دریافت نکردم . شاید هم آن نامه و اسرار
و یادداشتها رسیده است . در آخرین نامه آن اثره به بیچارگیان کرده بودم
و تا خبر در پاسخ کاغذ ، باعث نگرانی ام شده است ، امیدوارم سالم و شاداب باشید و نگرانیها
برطرف شده باشند .

انتظار دارم از طریق مکانبات ستر با شما در عقاید شعر خوی مثل شما
برهمنده شوم ، امیدوارم چنین انتظاری به جهت نیاید و همینان دستخطها را دریافت کنم .
من مکانبان به زندگی در غربت با مصائب و مشکلات و نگرانیها آرامش می دهم ، علی ای باب در بر یادگیری
زبان آلمانی هستم که تا هم ماه دیگر آرامش خواهد داشت . همین موضوع تا حد بسیاری در از آرنه گامی
در عرصه مطالعه ادبیات فارسی انداخته است که امیدوارم بعد از پایان دوره زبان آنرا جبران کنم ، در آرزوی
می توانم به کتاباتم با درستان خوی همیون سرو سامان تازه ای بخشم ، نوشتن « عناصر شعر » را
همینک آرامش می دهم ، از شماره ۱۳ دفتر نشر ادبیات و فرهنگ شماره یک فصل از آن کتاب چاپ
خواهد شد ، چه خوب است نقد و نظر شما را بپرورم این سلسله گفتارها داشته باشیم ، نامه را با رونویسی از
کتاب آخری شرم هم به پایان می برم و چشم براه کاغذ شما می مانم ، با آرزوی مجدد سلامتی و آرامش

مافی
30.7.86